

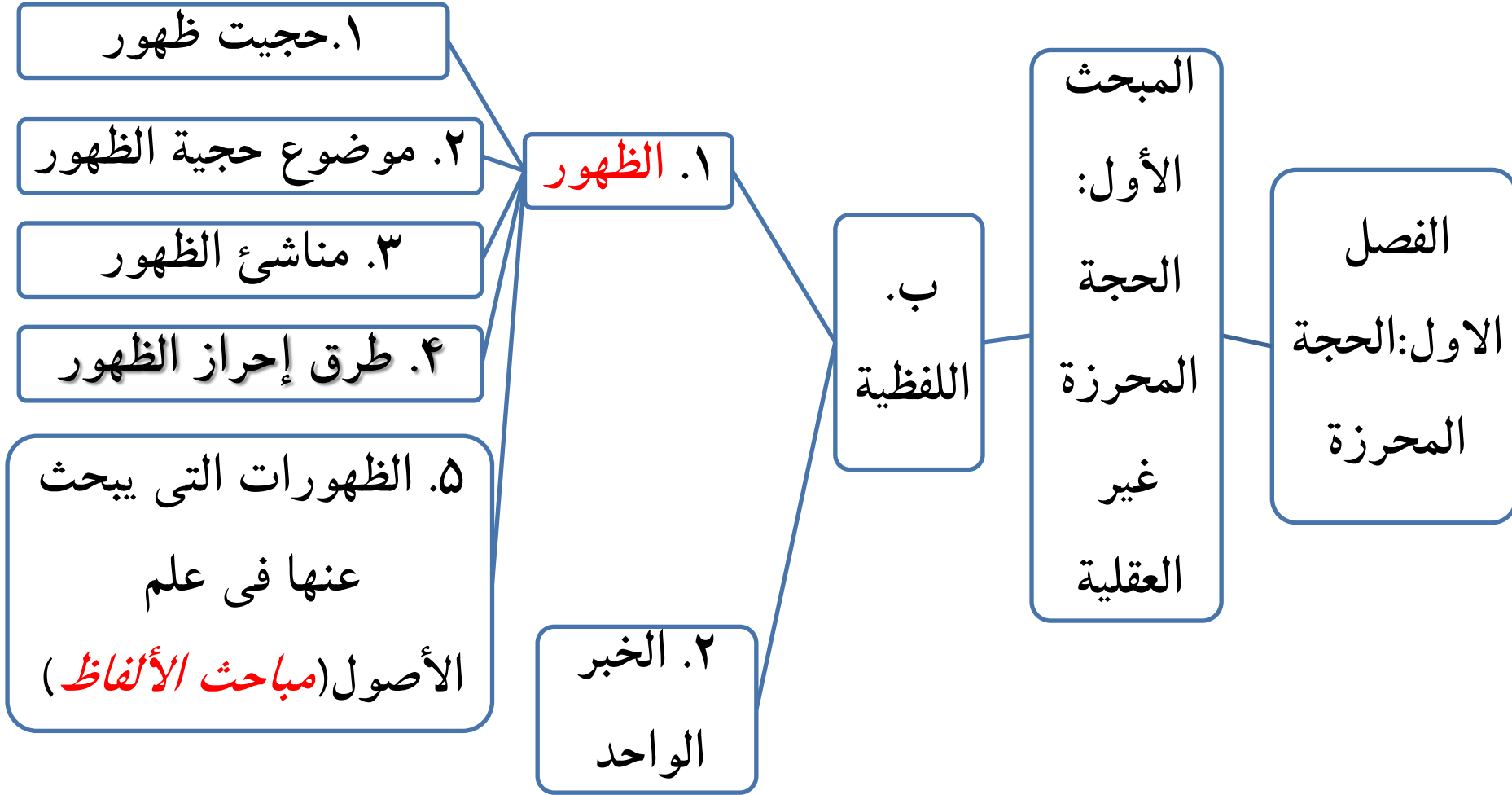
علم أصول الفقه

مباحث الفاظ ٥-٣-٩٤ ١٠٠

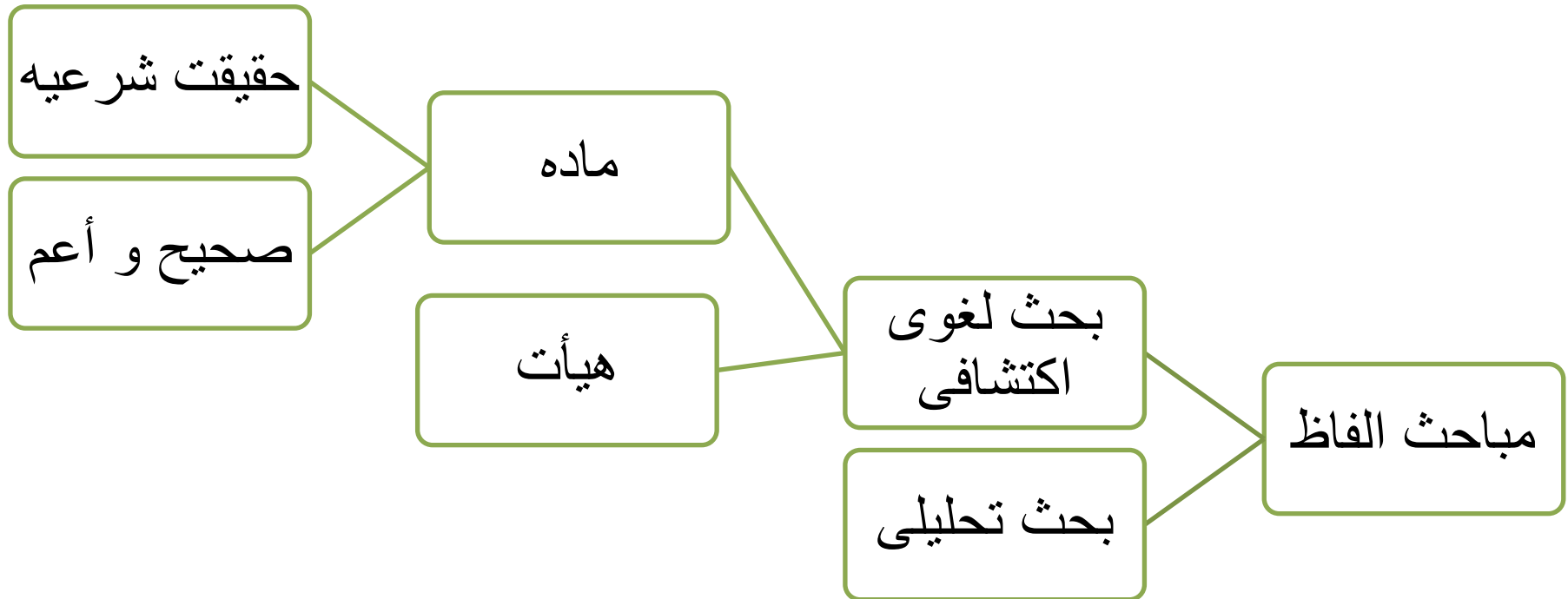
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

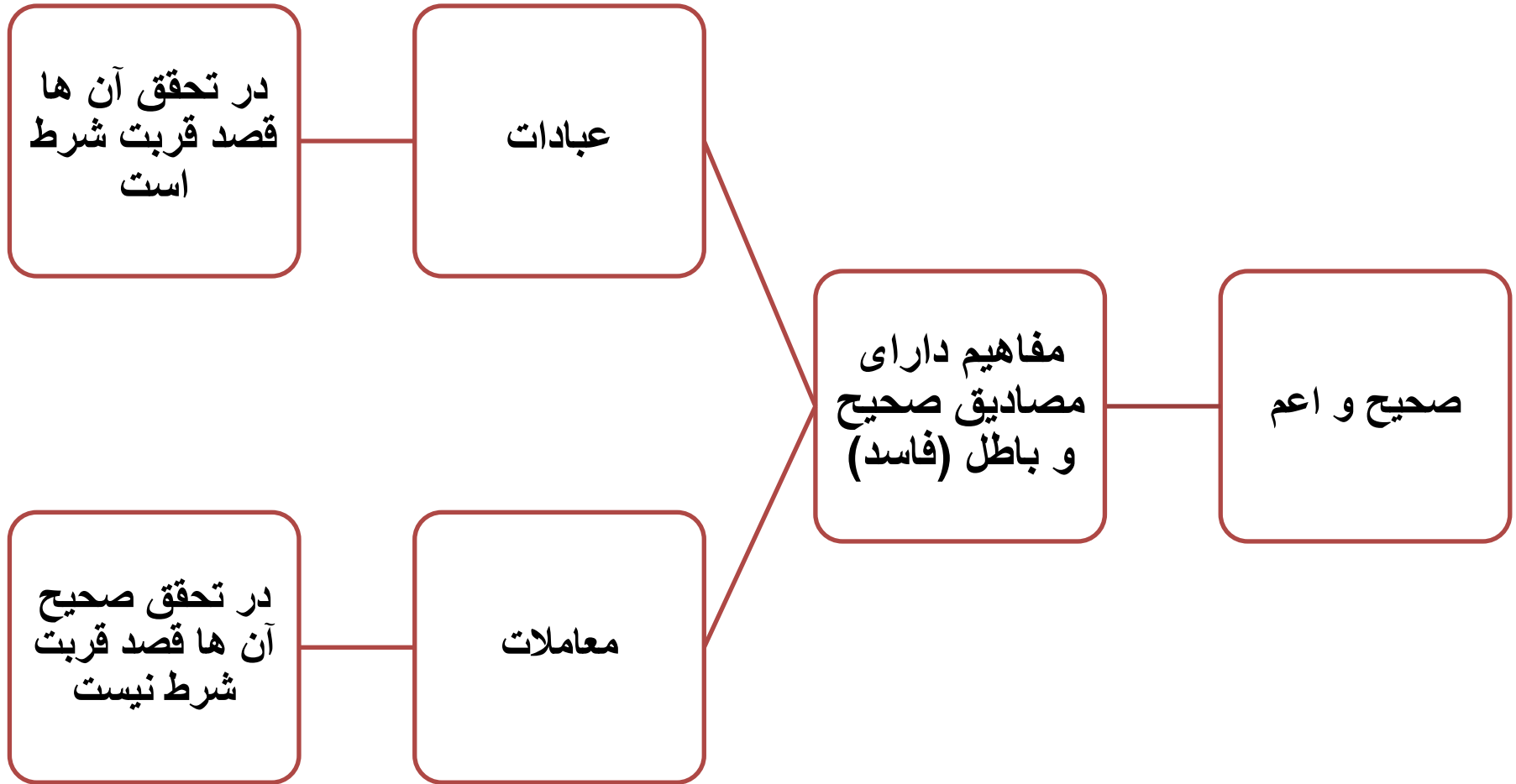
- أَوْ غَيْرِ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (٨٣)
- قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (٨٤)
- وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (٨٥)

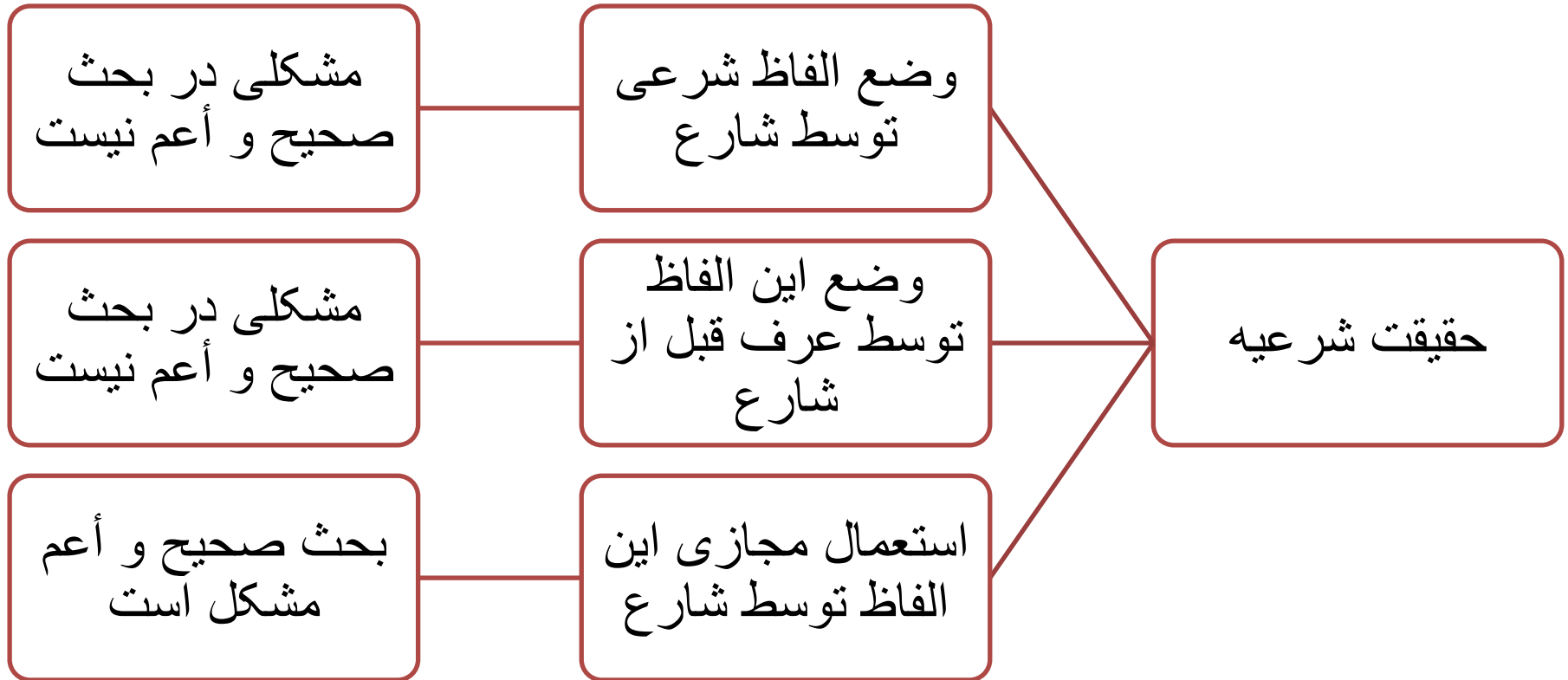


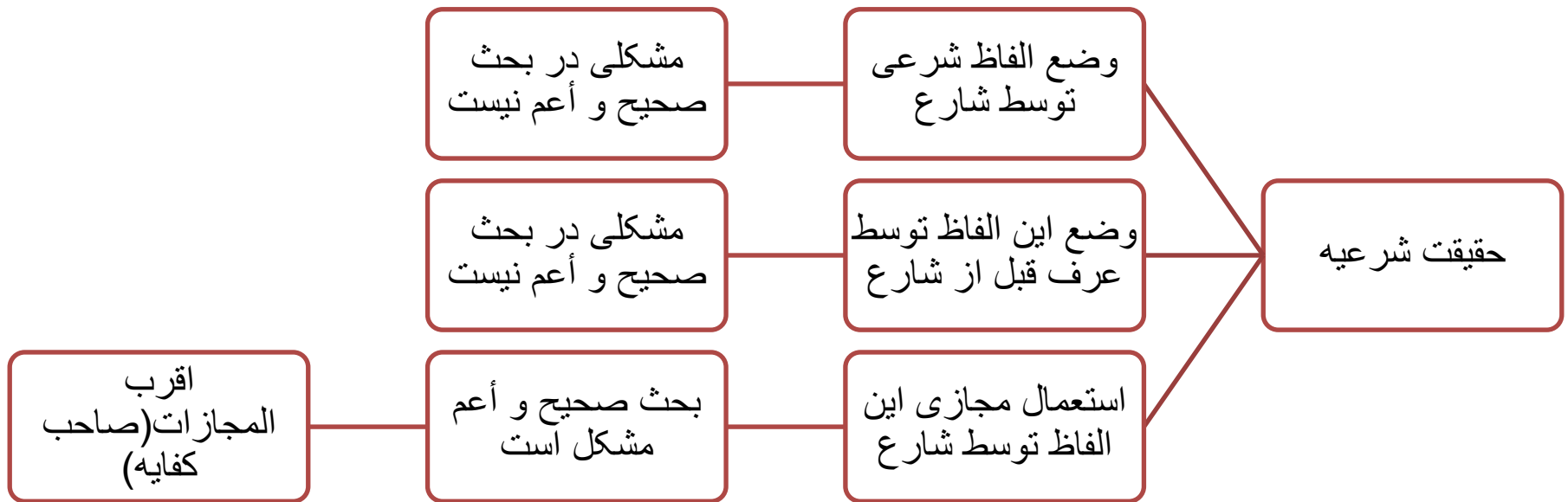
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



صحيح و اعم







حقیقت
شرعیہ

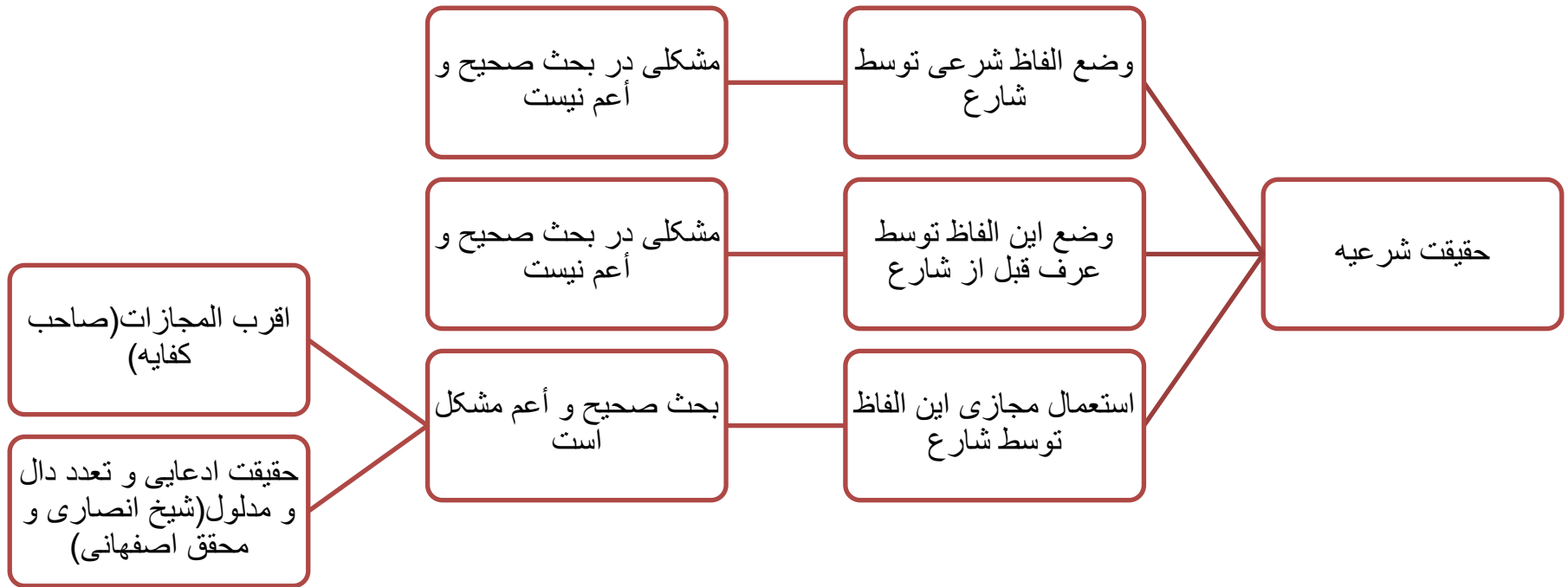
استعمال
مجازی
این الفاظ
توسط
شارع

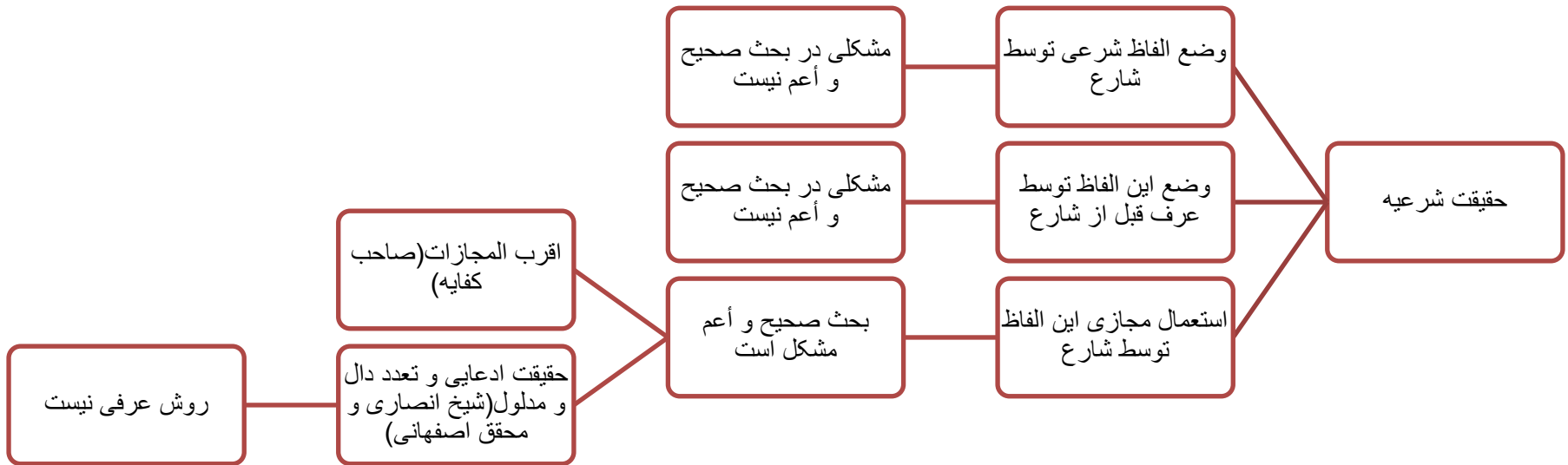
بحث
صحیح و
أعم
مشکل
است

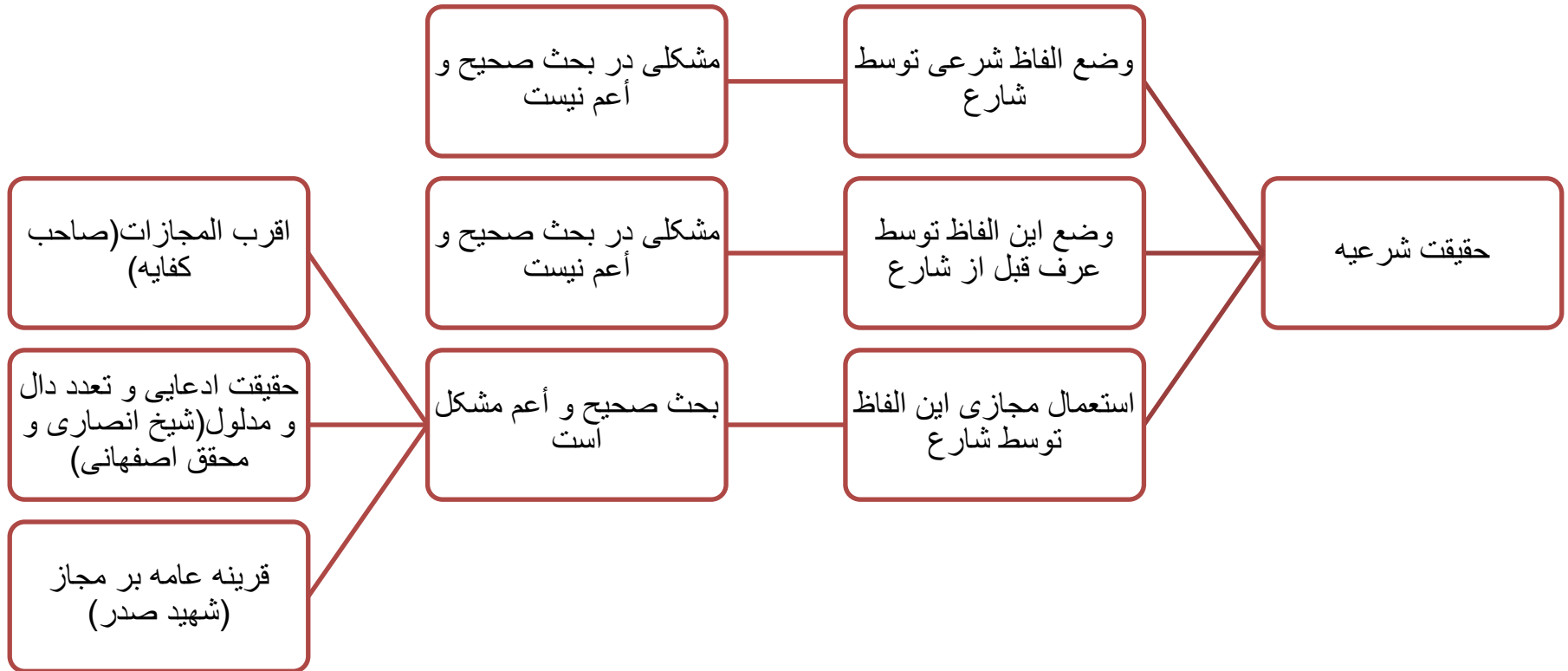
أقرب
المجازات
(صاحب
كفايه)

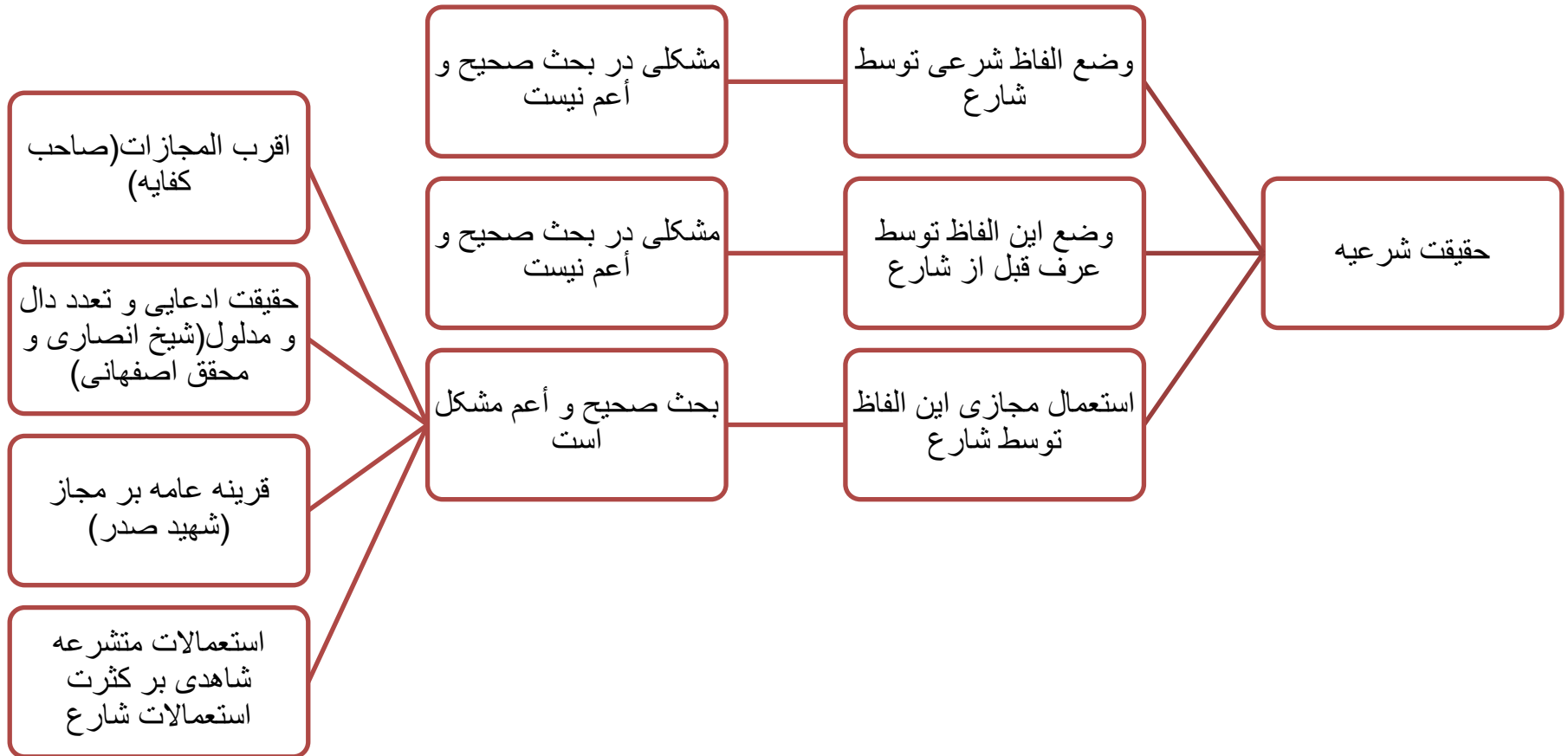
أقرب
المجازات
ممکن
است

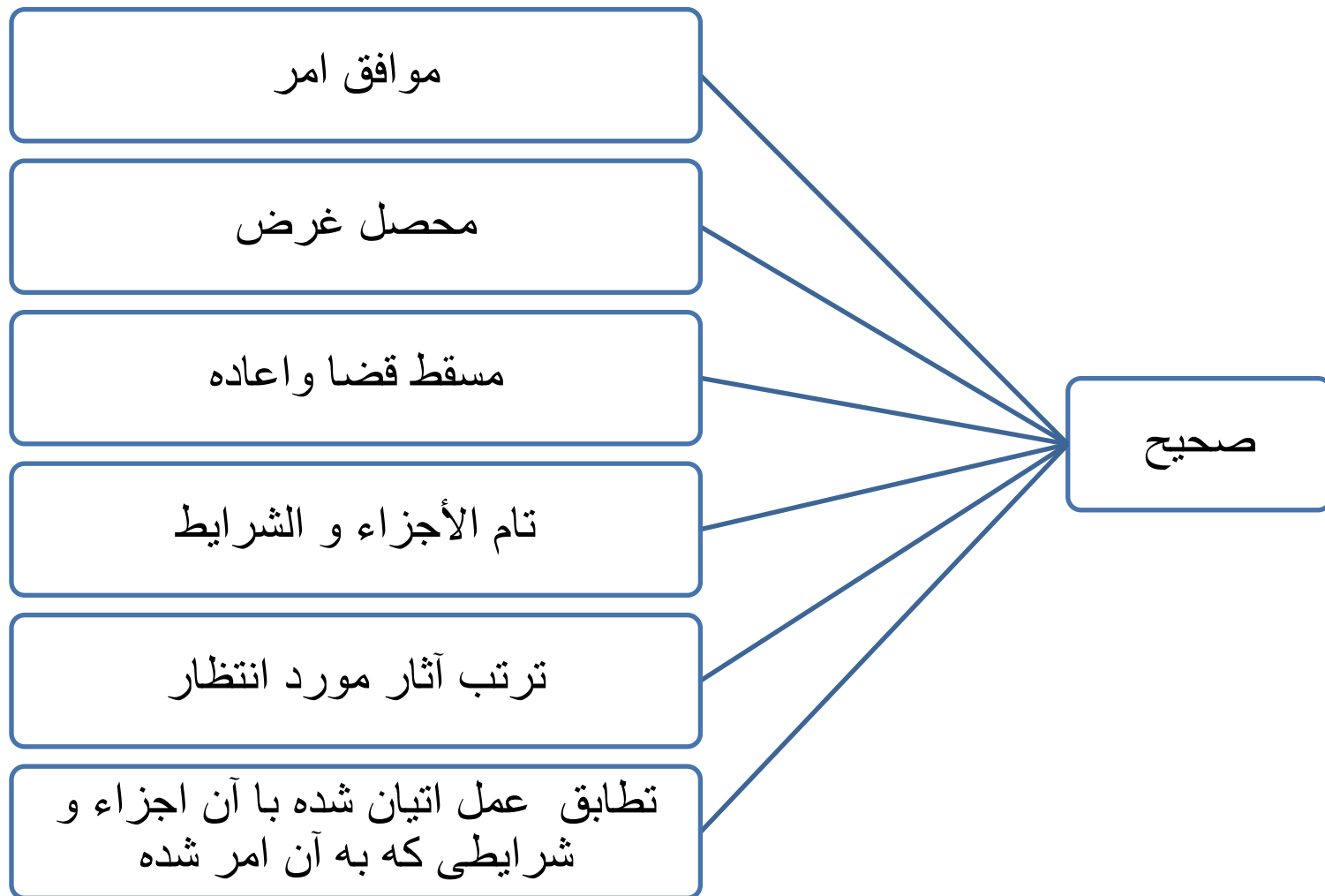
صحیح و
أعم در
طول هم
نیستند











صحیح و اعم

- آقای خوئی - رضوان الله عليه - و مرحوم آقای صدر هر سه تعريف را در يك سطح در نظر گرفتند؛
- يعنى آقای خوئی - رضوان الله عليه - فرمودند هر سه، لازم صحت هستند و هيچ فرقى بين اين سه قائل نشدند
- و آقای صدر - رضوان الله عليه - فرمودند هر سه، مقوم صحت هستند و هيچ فرقى بين اين سه قائل نشدند.

صحيح و أعم

- ما معتقدیم این ها با هم فرق دارند. دو تا از این ها لازمه صحت هستند و یکی مقوم صحت است.
- برای اینکه مسأله روشن شود، باید بینیم وقتی می خواهیم به صحت یک عبادت حکم کنیم، چه مراحل را پشت سر می گذاریم. این مراحل به شرح ذیل است:

صحيح و أعم

- ۱. بررسی مأمور به.
- ما ابتدا بررسی می‌کنیم که مأمور به چیست؟ مأمور به یعنی چه اجزاء و شرایطی دارد مأمور به.
- ۲. بررسی مآتی به.
- نگاه می‌کنیم می‌کنیم که این عملی در خارج تحقق پیدا کرد چه اجزا و شرایطی دارد.

صحيح و أعم

- ۳. در این مرحله اجزاء و شرایط مأمور به را با اجزاء و شرایط مأتی به را با همدیگر مقایسه می‌کنیم تا بینیم آیا مأتی به همه اجزاء و شرایط مأمور به را دارد یا ندارد.
- اگر داشت، می‌گوییم این عمل تام و صحيح است و اگر نداشت، می‌گوییم ناقص و باطل است.

صحيح و أعم

- در واقع دو مفهوم در این مرحله با هم دیگر تحقق دارند: یکی مفهوم موافقت امر که می‌گوییم مأتی به موافق است با مأمور به و دیگری مفهوم تام الأجزاء و الشرائط بودن که می‌گوییم اجزاء و شرایط مأتی به تمام؛ یعنی همه آن‌هایی را که در مأمور به مطرح بود، دارد.
- بنابراین موافقت امر در جزء مقومات مفهوم صحت است.

صحیح و اعم

- اما مفهوم تحصیل غرض و سقوط قضا و اعاده بعد از این مرحله پیدا می شود؛ یعنی وقتی احراز کردم که مأتی به موافق با مأمور به است و تام الأجزاء و الشرائط است، آن موقع می گویم هر چیزی را که قرار بوده اتیان کنم، اتیان کرده ام. پس اعاده و قضا لازم نیست؛ یعنی سقوط قضا و اعاده لازمه حکم به صحت است.
- بنابراین این بحث سقوط قضا و اعاده اصلاً دخالتی در تحقق مفهوم صحت ندارد.

صحيح و أعم

- تحصیل غرض نیز همین طور است؛ یعنی وقتی آنچه را که قرار بود، اتیان کنم، اتیان کردم، پس غرضی که بر این عمل مترتب می‌شود، حتماً حاصل شده است.
- در واقع حکم به اینکه غرض حاصل شده است در طول حکم به صحت پدید خواهد آمد.

صحيح و أعم

- مقصود از صحت در نظر صحیحی
- سؤال این است که وقتی صحیحی می گوید الفاظ عبادات برای صحیح وضع شده است، آیا می خواهد بگوید در لفظ صلاة مفهوم صحت اخذ شده است یا می خواهد بگوید صلاة برای یک معنایی وضع شده است که آن معنا جزء بر مصادیق صحیح قابل تطبیق نیست.
- به اصطلاح فنی آیا صحت به حمل اولی مورد نظرش است یعنی مفهوم صحت یا صحت به حمل شایع یعنی مصداق صحیح؟

صحيح و أعم

- جوابش البته معلوم است و ما ارتكازاً می دانیم که مراد صحیحی این است که الفاظ عبادات برای معنایی وضع شده اند که آن معنا فقط بر مصادیق صحیح از عبادت صدق می کند؛ مثلاً لفظ صلاة وضع شده است برای یک معنایی که آن معنا فقط مصادیق صحیح نماز را شامل می شود به اصطلاح فنی می گوئیم مفهوم صحت در لفظ صلاة اخذ نشده است و مصداق مفهوم صلاة، فقط صلاة صحیح است.

صحيح و أعم

- بررسی نظریه وضع برای صحیح
- قبلاً در بحث‌های مقدماتی گفتیم در بحث وضع باید موضوع و موضوع له تصور شود. ؛ چون وضع یک حکم عقلی و ذهنی است. بنابراین باید دو طرف حکم یعنی موضوع و موضوع له در ذهن حاضر باشند.

صحیح و اعم

- صحیحی ادعا می کند الفاظ عبادات برای یک معنایی وضع شده اند که فقط بر مصادیق صحیح قابل انطباق است. اینجا یک سؤال مطرح است آیا اصلاً چنین معنایی را می شود تصور کرد. چرا نمی شود تصور کرد؟

صحیح و اعم

- گفتند اگر مصادیق نماز صحیح را ملاحظه کنید، خواهید دید که مصادیق نماز صحیح به لحاظ اجزاء و شرایط بسیار بسیار متنوع اند؛ مثلاً کسی حاضر است، هیچ اضطراری ندارد و هیچ مشکل جسمی ندارد، نماز صحیح برای او بدین صورت است که چهار رکعت نماز با وضو یا با غسل، ایستاده بخواند.

صحیح و اعم

- اگر این آدم نمازش را نشسته بخواند، باطل است یا اگر تیمم کند، باطل است یا اگر دو رکعت نماز ظهر بخواند، باطل است؛ اما اگر فردی مسافر باشد، نمازش دو رکعت است و اگر اضطرار داشته باشد، به جای وضو یا غسل تیمم می‌کند. اگر محدودیت‌های جسمی داشته باشد، می‌تواند نشسته نماز بخواند حتی در بعضی از فروض می‌تواند رکوعش را با اشاره انجام دهد.

صحیح و اعم

- حتی می‌رسد صلاة غرقا که آخرین نفس هایش را می‌کشد در حال مرگ است، در آنجا همه اجزاء و شرایط ساقط می‌شود و فقط یک نیت و اگر توانست یک تکبیر بگوید! حال این نمازی که از صلاة غرقا شروع می‌شود تا نماز آدم حاضری که هیچ اضطراری و هیچ مشکل جسمی ندارد، با این همه تنوع در اجزا و شرایط چه جامعی برایش متصور است؟ پس وقتی تصورش محال شد، وضعش هم مستحیل خواهد بود..